

# ایرانی می گیرند

نهیست چنانکه قطعاً آخرین نیز نخواهد بود.

در طی چند سال گذشته شاهد کشته و زخمی شدن نزدیک به بیست نفر از اهالی این روستاها بر اثر ریزش معادن بوده ایم و متأسفانه بسیار جای تأسف است که پنج زن و چند کودک کشته شده اند قطعاً شنیدن چنین اخباری هر ایرانی را آزرده خاطر می کند و به عنوان یک ایرانی، یک هرمزگانی و یک کوهشاهی از مسئولین محترم تقاضا دارم در اولین اقدام برای جلوگیری از تکرار حوادث مشابه، کلیه معادن روستاهای منطقه را تعطیل کنند چراکه بیشتر گارگران این معادن زنان کودکان و افراد سالخورده اند و با توجه به این که نگارنده بیشتر این معادن را در تابستان گذشته دیده، فاقد هر نوع ایمنی و استانداردی بوده و این افراد طبق قوانین ملی و بین المللی نباید در معدن و مشاغل سخت مشغول به کار شوند، جلوگیری از تکرار مواد مخدر را بگیرند، جاده ارتباطی این روستاها را آسفالت کنند، حفر چاههای عمیق کشاورزی را در این منطقه رونق بخشند تا در آینده شاهد حوادثی نظیر این نباشیم چرا که روح هر انسان آزاد اندیشی را آزرده می کند.

مانده ترین و محروم ترین استانهای ایران اما علت این امر در چیست، چرا باید حوادثی باشیم، چرا باید به نواحی ناپی اینقدر بی توجهی شود، چرا باید فاصله روستا اینقدر عمیق باشد، چرا باید زنان و بان از شدت فقر رو به کاری بیاورند که طبق بندی مشاغل جز مشاغل سخت به شمار آید. هر سال حداقل یک ماه را در این منطقه می کم منطقه ای با آب و هوای کوهستانی کمترین جای هرمزگان است سرشار از انواع گیاهان دارویی است، آب کافی دارد ولی به علت عدم توجه ر گرفتن در مسیر ترانزیت مواد مخدر، بالا در صید اعتیاد به مواد مخدر، دور بودن از شهرستان (۱۲۰ کیلومتر)، و نداشتن جاده طی مناسب بسیاری از مردم آن در وضعیت بدی زندگی می کنند. م به ذکر است این اولین حادثه از این نوع



با سپاس مهدی میرزاده کوهشاهی - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی - تهران

اقدام به چاپ مقاله توهین آمیزی در روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۷/۱۰/۵۶ نمود وقتی که جوانان غیور قم و طلاب انقلابی و علما و مراجع دین اهانت آشکارا را مشاهده کردند. روز ۱۹ دیماه ۱۳۵۶ با خشم انقلابی خود در قم علیه رژیم منحوس شاه تظاهرات نمودند و شاه سرمست از این عمل مذبحخانه خود اقدام به سرکوب تظاهرات مردم قم نمود. اما این آتش زیر خاکستر بود. چهل روز بعد مردم انقلابی تبریز و سایر شهرهای کشور چهلمین روز به شهادت رساندن مردم قم را برگزار کردند و شاه دیوانه به تصور اینکه با گشتار مردم می تواند رژیم پושالی خود را حفظ کنند دستور سرکوب تظاهرات و جلسات بزرگداشت شهدا را صادر کرد و هرگونه تجمع و تظاهرات مردم را سرکوب می نمود تا شاید بزم خود بتواند مردم را مرعوب خود سازد. مردم یزد در چهلمین روز شهادی تبریز قیام کردند و دست به تظاهرات و اعتراض و راهپیمایی زدند. رژیم با افراد مسلح تظاهرات مردم یزد را هم به خاک و خون کشید. مردم نجف آباد قیام کردند و تظاهرات مردم نجف آباد را هم با تیراندازی پاسخ دادند و عده ای شهید شدند و این عمل جنایتکارانه رژیم باعث گردید سراسر کشور دست به یک قیام و اعتراض عمومی بزنند و این برگزاری چهلمین روز شهدا هر روز دامنه تظاهرات به صحنه رو در رو با رژیم قرارداد و این عمل دامن رژیم شاه و اربابان دیوانه و احمق را گرفت و از آن تاریخ به بعد در شهر و دیاری حتی بخش ها و روستاهای بزرگ علیه رژیم تظاهرات کردند، در بندرعباس و سایر شهرهای استان هرمزگان این جریان ادامه داشت. در بندرعباس مراسم شهادی تبریز در مسجد کوفه باشکوه و عظمت خاصی برگزار گردید. یکی از مبارزین شهید نوجوان ۱۶ ساله ناصر گرجی زاده بود که در سال دوم دبیرستان مشغول به تحصیل بود. ایشان به همراه شهید محمد کیوان به آموختن روش ساختن مواد منفجره با سه راهی و کوتل موتولف و... پرداخت و با همکاری یکی دیگر از انقلابیون در مشروبات فروشی ها و امکان وابسته به رژیم رعب و وحشتی در دل رژیم در شهر بندرعباس انداخته بود.

## بازخوانی خاطرات مبارزات علیه رژیم پهلوی

### نهضت امام خمینی و پیدایش انقلاب اسلامی در "بندرعباس"

[به قلم محمد عبدلی زاده/ قسمت ششم]

اعوذ بالله من شر شاه شروع کرد که اظهار این مطلب سنگین و غیرمنتظرانه موجب حیرت و تعجب حاضران را برانگیخت تا آن زمان کسی جز حضرت امام خمینی شاه را اینگونه تحقیر نکرده بود. ایشان با قاطعیت تمام شاه را مورد عتاب قرار داده و از مطالب پدرش و خود و خانواده اش سخن گفت و اظهار داشت: پسر رضا کچل از جان این ملت چه می خواهید؟ هر لحظه انتظار می رفت که مامورین رژیم مردم را مورد حمله و تهاجم خود قرار دهند اما آقای عباسی همچنان با شجاعت و صلابت و اطمینان نفس به سخنرانی خود ادامه داد. این سخنرانی نقطه عطفی در مبارزات مردم بندرعباس و استان شد و ترس و دلهره از دل جوانان مبارز رخت بریست. نوار این سخنرانی به سایر شهرهای کشور فرستاده شد گرچه تا آن زمان فعالیت ها بصورت مخفی انجام می شد اما بعد از این برنامه جوانان و مردم انقلابی با جرات و جسارت بیشتر و علنی تر به مبارزه ادامه دادند و بعد از پایان مراسم بزرگداشت عده ای از مردم که در مسجد حضور داشتند آیت الله انواری را به طرف منزلش همراهی کردند و بدینوسیله اعتراض خود را به شهادت رساندن آیت الله سیدمصطفی خمینی و حمایت از امام روحانیت انقلابی اعلام کردند. در این رابطه و شهادت آیت الله مصطفی خمینی تلگراف تسلیمی توسط عده ای از مقلدین امام خمینی از طریق دبی به نجف اشرف مخابره گردید. شاه که نتوانست به شهادت رساندن حاج آقا طرفی ببیند و مشاهده کرد علیرغم اینکه حضرت امام خمینی (ره) مدت ۱۴ سال از کشور تبعید شده اما همچنان در دل مردم جا دارد و مورد احترام و علاقه عموم مردم است.



نمایندگان مجلسین و اعضای شورای اسلطان خارج شوند کشاورزان بیشتر بکار و جلوی خروج گنده را بگیرند از نش جلوی بیرون برد سلاحهای امر بکار بگیرد بانگ های اسلامی به کشاورزان کمک کند از بعین رانندگی به وسیله

داشتند و مسجد کوفه از حاصره بود و ایادی خود مردم با هیجان و شور انقلابی بتدای سخن خود را با گفتن

# بادی متعلق به همه شماست در حفظ محیط زیست دریایی

## همکار هم باشیم

معاونت صید و بنادر ماهیگیری شیلات هرمزگان اداره امور صیادان